

تاملی در باب مفهوم حق و اجرای حق با نگاهی به موضوع هسته‌ای ایران و توافق ژنو

سید عباس عراقچی*^۱

چکیده

مذاکرات بین جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ در مورد موضوع هسته‌ای ایران مجموعه‌ای است آمیخته از مسائل حقوقی، سیاسی و امنیتی بین المللی که درک آن بدون در نظر گرفتن همه این ابعاد ممکن نخواهد بود. از منظر حقوقی بین بر خورداری از حق^۱ و اجرای حق^۲ تفاوت وجود دارد. این دو مفهوم الزاماً با یکدیگر زاده نمی‌شوند. در این مقاله بحث خواهد شد که جمهوری اسلامی ایران حقوق هسته‌ای خود را با گروه ۵+۱ به مذاکره نگذاشته است. این مذاکرات برای نیل به یک توافق با محدوده زمانی مشخص و صرفاً در مورد چگونگی اجرای حق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، با هدف ایجاد اعتماد بین المللی در رابطه با برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران صورت می‌گیرد. برنامه اقدام مشترک ژنو نیز که بین طرفین مورد توافق قرار گرفته است متعرض اصل حق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بر برخورداری کامل از برنامه هسته‌ای صلح آمیز نشده است. تعهدات جمهوری اسلامی ایران در این برنامه اقدام مشترک مقید به دو قید "زمان" و "داوطلبانه بودن اقدامات" است که این قیود نیز نشانه روشنی است مبنی بر اینکه ایران در مورد حقوق هسته‌ای غیر قابل سلب خود مصالحه نمی‌کند. توافق ژنو نه تنها به حق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران خدشه ای وارد نکرده، بلکه مقوم حقوق هسته‌ای ایران از جمله حق غنی‌سازی نیز هست. توافق جامع هسته‌ای که در مذاکرات آتی به آن پرداخته خواهد شد، می‌تواند دستاوردهای هسته‌ای کشور را تثبیت و دراز مدت به تامین منافع ملی کشورمان در سایر ابعاد نیز کمک کند

واژه‌های کلیدی: حق و اجرای حق، حق هسته‌ای، شورای امنیت، مذاکرات هسته‌ای، توافق ژنو.

1. Entitlement
2. Implementation

۱. استادیار دانشکده روابط بین الملل، وزارت امور خارجه

* نویسنده مسؤل، ایمیل: Ahmad.timuti@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۰

فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صص ۶۲-۳۵

بحث اول: حق و مفاهیم مرتبط با آن

۱- تعریف حق^۱ در حقوق خصوصی:

با توجه به جمیع تعاریف می‌توان گفت در حقوق خصوصی حق به معنی سلطه، اختیار یا امتیازی است که به موجب قانون به شخصی، نسبت به چیزی یا شخص دیگری اعطا شده است. شخص اعم از حقیقی و حقوقی است. حق در این تعریف کلی و نوعی است.

۲- اسقاط و تحدید حق:

حق فی نفسه امری اعتباری به شمار می‌رود، حال آنکه اجرای حق با زندگی اجتماعی وابستگی و تداخل بیشتری دارد. جامعه و قانون برای هر فرد جزیره جداگانه‌ای نساخته‌اند تا فرد در آن سلطان بلامنازع باشد و مقید به هیچ قیدی نباشد. انسان در کنار حق، تکالیف و تعهداتی نیز به عهده دارد که قادر به گریز از آنها نیست و مجبور است در چارچوب این قواعد اقدام به استیفای حقوق خود کند. مثلاً در قانون ما رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه بر اجرای همه حقوق حکومت می‌کند. یا قواعدی فقهی مانند قاعده لاضرر^۲ همواره در مقابل قاعده تسلیط^۳ قرار دارد تا ضامن نظم و مسالمت در اجتماع باشد (زاحری، بی تا). بر این اساس حق دارای قیود و عوارضی است. این قیود می‌تواند آن را معلق یا منجز، مؤجل یا حال، دائم یا موقت و ثابت یا متزلزل کند. این عوارض یا با زمان اجرای حق مرتبط است یا با ثبات و تزلزل حق. رابطه این قیود با حق عرضی است نه ذاتی و بیشتر مرتبط با اجرای حق است نه خود حق. لذا چنانچه حقی به اعتبار قیدی تبدیل به حق دیگری شد یا در اجرای آن ملاحظه‌ای قانونی لحاظ شد، این عمل اثری در ماهیت حق نخواهد داشت. مثلاً اگر شخصی مبلغی به دیگری مدیون بود و فی المجلس ملزم به اعاده آن باشد، این حقی حال است و موکول به آینده نیست، ولی با رضایت داین که صاحب حق است پرداخت دین به زمان دیگری موکول شد (مثلاً با چک مدت دار)، حق داین اسقاط نمی‌شود بلکه زمان اجرای آن موکول به آینده شده است و حق داین همچنان پابرجاست.

۱. در رابطه با مباحث این قسمت مراجعه شود به کاتوزیان ناصر، (۱۳۸۱) مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، جعفری لنگرودی محمد جعفر، (۱۳۸۰) مقدمه عمومی علم حقوق، کتابخانه گنج دانش.

۲. لاضرر و لاضرار فی الاسلام بر گرفته از حدیث نبوی در رابطه با قضیه سمره بن جندب.

۳. طبق حدیث نبوی الناس مسلطون علی اموالهم (قاعده تسلط).

حق علاوه بر عوارضی که در کنار خود دارد می تواند توسط حکم نیز محدود شود. اجمالا می توان حکم را از لحاظ منشا آن به چندین دسته از جمله حکم شرعی، حکم قانونی و حکم حکومتی تفکیک کرد. احکام حکومتی به خاطر رفع اضطرار و تنگناهای عمومی به صورت موقت فوق همه احکام قرار می گیرند. "منظور از احکام حکومتی، احکامی است که حاکم جامعه بر مبنای ضوابط پیش بینی شده فرعی بر طبق مصالح عمومی مسلمین برای حفظ سلامت جامعه و تنظیم امور آن در مسائل مختلف مقرر می دارد" (نمازی فر، ۱۳۷۹). طبق نظر امام خمینی (ره) ملاک صدور حکم حکومتی چهار محور است: ۱- مصلحت نظام ۲- جلوگیری از اختلال در نظام ۳- نفی مفسده ۴- نفی حرج (نمازی فر، ۱۳۷۹).

همانطور که برخوردار و استیفای حق دارای قاعده و قانون است اسقاط حق و تحدید آن نیز معطوف به رعایت قانون خواهد بود. اشخاص بنا به مصالح فردی و اجتماعی خود می توانند حقی را از خود سلب یا اجرای حق خویش را محدود کنند به شرط آنکه قانون را در این اقدام خود نیز رعایت کنند.

طبق ماده ۹۵۹ قانون مدنی ایران "هیچکس نمی تواند به طور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند." "حق تمتع به معنای دارا شدن حق است و عبارت "کلی" نیز مفهومی است که صادق بر افراد عدیده است، لذا سلب حق تمتع به طور کلی به این معنی است که شخص حق تمتع یعنی دارا شدن حق را از خود سلب کند به طوری که بعدا نتواند آنها را به دست آورد" (شعبانی، ۱۳۸۹).

در تفسیر این ماده از حقوق مدنی به ویژه عبارت "به طور کلی" بحثهای فراوانی صورت گرفته است. در مجموع بنظر می رسد عبارت "به طور کلی" را می توان هم ناظر بر زمان و هم ناظر بر موضوع و مصداق حق دانست. به این معنی که شخص می تواند به صورت جزئی یا برای یک دوره زمانی معقول حقی یا اجرای آن را از خود سلب کند.

مثلا اگر کسی متعهد شود یا شرط کند که تا یک ماه هیچ ملکی را تملک نخواهد کرد، به نظر نمی رسد به طور کلی حق مالکیت را از خود سلب نموده باشد. ولی اگر قید کند که تا زنده است هیچگاه ملکی را تملک نخواهد کرد این شرط باطل است و قانونی نیست. یا اگر کسی تعهد کند که به عنوان مثال از انواع اتومبیل، فلان رنگ را نخواهد خرید، به نظر می رسد حق تملک اتومبیل را به طور کلی از خود سلب نکرده و تعهد او به صورت جزئی بخشی از حقی را سلب کرده است که مورد اقرار قانون هم هست.

قضاوت درباره معقول بودن این اقدامات چه به لحاظ زمان و چه به لحاظ موضوع بیشتر عرفی است و معیار آن بنای عقلا در هر زمان و در رابطه با هر موضوع خاص است.

در نظام بین‌المللی نیز حق و اجرای حق تا حدودی تابع همین مفاهیم است. لذا تا جایی که از واقعیات نظام بین‌المللی دور نشده و ذهن گرائی بیش از حد بر ما مستولی نشود، می‌توانیم معیاری برای سنجش حق هسته‌ای بر اساس این مفاهیم کلی بنا کنیم.

بحث دوم: حق هسته‌ای ایران و مسائل مرتبط با آن

۱- کلیاتی از حق هسته‌ای در حقوق بین‌الملل

دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مشورتی خود در قضیه مشروعیت استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای تا حدود زیادی بصورت ضمنی حق یا صلاحیت دولتها از جمله حق هسته‌ای را روشن کرده است. دیوان در این رای بیان می‌دارد: "در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی هیچ قاعده‌ای صراحتاً تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای را مجاز ندانسته است هر چند که هیچ قاعده‌ای درباره ممنوعیت جامع و کامل تهدید به استفاده یا استفاده از این سلاح‌ها هم وجود ندارد" (I.C.J., 1996). دیوان بر این اساس در نهایت استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای را نامشروع ندانست.

بنابراین، با توجه به اینکه برخورداری و تولید انرژی هسته‌ای صلح آمیز و جزئیات و لوازم آن نیز توسط هیچ قاعده حقوق بین‌المللی منع نشده است، همه کشورها اعم از اعضای معاهده عدم اشاعه^۱ و غیر آن، از این حق و جزئیات آن مانند غنی‌سازی و غیره، برخوردارند. بنظر می‌رسد بر این اساس می‌توان بصورت کلی بیان داشت که حق در نظام بین‌الملل فعل یا ترک فعلی از دولتهاست تا جایی که قواعد حقوق بین‌الملل آن را منع نکرده یا آن را مجاز دانسته باشد.

معاهده ان پی تی، حق هسته‌ای را یک حق غیر قابل سلب دانسته است. طبق ماده ۴ این معاهده "هیچ چیز در این معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حق غیر قابل سلب کلیه کشورهای عضو معاهده را ... متأثر سازد...". "صفت" غیر قابل سلب بودن^۲ پیامدهای حقوقی ناشی از این عبارت را به دنبال دارد. به کارگیری این مفهوم بدین معنا است که اولاً کشورها به محض استقرار، اهلیت^۳ برخورداری و تولید انرژی صلح آمیز هسته‌ای را دارا می‌شوند، زیرا این گونه حقوق از بدو تولد تا مرگ با شخص و در این موضوع با دولت، همراه هستند. ثانیاً معاهده عدم اشاعه ایجاد کننده حق هسته‌ای، یا به بیان دیگر در مقام انشاء حق هسته‌ای نیست بلکه این معاهده در مقام "اقرار" به حق

1. Non Proliferation Treaty (NPT)
 2. Inalienable
 3. Capacity / Eligibility

است و جنبه ثبوتی دارد. این حق همواره موجود است و حقوق بین‌الملل صرفاً اجرای آن را قانونمند و مقید کرده است. ثالثاً نمی‌توان حق غیر قابل سلب هسته‌ای را از کشوری سلب کرد، مگر در موارد غیر کلی، و در عوارض و قیود آن با رضایت کشور صاحب حق. چنانچه در ماده ۳ هدف از انعقاد موافقتنامه پادمان^۱ را صرفاً^۲ بازرسی و با هدف جلوگیری از انحراف برنامه هسته‌ای بیان کرده است.

بنابراین استناد به معاهده ان پی تی به عنوان منشا حق کشورها بر دارا شدن برنامه هسته‌ای استناد کاملاً دقیقی نیست. بر این اساس است که کشورهایی که عضو معاهده عدم اشاعه نیستند نیز از حق برنامه هسته‌ای برخوردارند، و به فرض الغای این معاهده نیز همه کشورها از این حق برخوردار خواهند بود و برنامه هسته‌ای آنها نیز از بین نخواهد رفت. در نتیجه می‌توان گفت حق هسته‌ای صلح آمیز عبارت است از حقی غیرقابل سلب برای کشورها به منظور هر گونه تولید و بهره برداری از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز.

۲- حق هسته‌ای در معاهدات مرتبط

برای درک چارچوب حق هسته‌ای ایران یا هر کشور دیگر عضو معاهده عدم اشاعه، نیاز است به سه معاهده اصلی در بحث هسته‌ای یعنی معاهده عدم اشاعه یا ان پی تی، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و موافقتنامه پادمان بین ایران و آژانس به صورت همزمان توجه شود.

لازم است بدانیم تا آنجا که به استفاده و تولید انرژی هسته‌ای برای مصارف صلح آمیز مربوط است، معاهده ان پی تی هیچ تفاوتی بین کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای^۳ و کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای^۴ قائل نیست. همه کشورهای عضو این معاهده اعم از کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و غیر آن، از حقوق مشابه از جمله حق یکسان فعالیت‌های هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز برخوردار هستند. طبق بند ۱ ماده ۴ معاهده عدم اشاعه^۵ هیچ چیز در این معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حق غیر قابل سلب

1. Safeguard Agreement
2. Exclusive purpose
3. Nuclear weapon states
4. Non- nuclear weapon states

همه کشورهای عضو برای توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح آمیز را بدون تبعیض و با رعایت ماده ۱ و ۲ این معاهده متاثر سازد.^۱ چنانچه دیده می‌شود این ماده از عبارت "حق همه کشورهای عضو" استفاده کرده است، مضافاً اینکه ذکر لزوم رعایت ماده ۱ در پایان این بند ناظر بر کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و ماده ۲ مربوط به کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای است. در نتیجه در موضوع هسته‌ای ایران باید گفت که طبق معاهده عدم اشاعه، جمهوری اسلامی ایران و اعضای گروه ۵+۱ درباره بهره برداری و فعالیتهای صلح آمیز مرتبط با این بهره برداری، دارای حقوق برابر هستند و همانطور که گفته شد این حقوق شامل کلیه حقوق و فعالیتهای مرتبط با حق هسته‌ای، تا جایی که انحرافی در آن برای تولید سلاح هسته‌ای یا ابزار انفجاری هسته‌ای برای مقاصد نظامی^۲ صورت نگرفته است، از جمله غنی سازی اورانیوم، است.

طبق بند ۱ ماده ۳ معاهده عدم اشاعه کشورهای عضو توافقات پادمانی را با آژانس امضا خواهند کرد. بر اساس این بند "اقدامات پادمانی طبق این معاهده در رابطه با مواد اولیه^۳ یا مواد شکافت پذیر ویژه^۴ چنانچه تولید و فرآوری^۵ شوند، یا در اماکن هسته‌ای اصلی، یا خارج از این اماکن مورد استفاده قرار گیرند، مجری خواهند بود." پس طبق این ماده تولید و فرآوری مواد شکافت پذیر ویژه توسط کشورهای غیر سلاح هسته‌ای هم می‌تواند انجام شود ولی باید تحت نظارت آژانس قرار گیرد.

از طرفی ماده ۲۰ اساسنامه آژانس این عبارات را تعریف کرده است. طبق بند ۱ این ماده "مواد شکافت پذیر ویژه یعنی پلوتونیوم ۲۳۹، اورانیوم ۲۳۳، اورانیومی که به ایزوتوپهای ۲۳۵ یا ۲۳۳ غنی شده است، یا هر ماده ای که یکی یا بیشتر از مواد مذکور

1. Nothing in this Treaty shall be interpreted as affecting the inalienable right of all the Parties to the treaty to develop research, production and use of nuclear energy for peaceful purposes without discrimination and in conformity with Articles I and II of this Treaty.

۲. طبق ماده ۵ معاهده ان پی تی یکی از اقداماتی که دولتها می‌توانند به عمل آورند انجام انفجارات هسته ای برای مقاصد صلح آمیز است.

3. Source material

4. Special fissionable material

5. Processing

6. Procedures for the safeguards required by this Article shall be followed with respect to source or special fissionable material whether it is being produced, processed or used in any principal nuclear facility or is outside any such facility.

را داراست، یا سایر مواد شکافت‌پذیر که متناوباً توسط شورای حکام آژانس تعیین می‌شود...".

طبق بند ۳ این ماده عبارت مواد اولیه یعنی "اورانیوم حاوی ایزوتوپهای ایجاد شده در طبیعت، اورانیوم ضعیف شده به ایزوتوپ ۲۳۵، تورنیوم یا هر نوع از این مواد در شکل فلز، آلیاژ، ترکیب شیمیایی یا کنسانتره یا هر ماده دیگری حاوی یکی یا بیشتر از این مواد که توسط شورای حکام آژانس تعیین خواهد شد." این معاهدات هر چه به طرف اقدامات اجرائی پیش رفته اند جزئیات حقوق هسته‌ای کشورهای عضو معاهده عدم اشاعه را واضح تر بیان کرده‌اند.



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره دوم، شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

موافقتنامه پادمان منعقدہ بین ایران و آژانس بین‌المللی هسته‌ای در تاریخ ۱۵ می ۱۹۷۴ در مواد مختلف خود به مواردی اشاره کرده است که همگی بیانگر حقوق غیر قابل سلب هسته‌ای کشورهای عضو است. به عنوان مثال ماده ۶ موافقتنامه پادمان بند bIII با توجه به پیشرفتهای تکنولوژیک بیان می‌دارد: "تمرکز اقدامات راستی آزمائی بر مراحل چرخه سوخت^۲ مرتبط با تولید، فرآوری استفاده یا ذخیره موادی که ... "اعمال می‌شود. ^۳ همچنین ماده ۳۴ بیان می‌دارد "a) چنانچه مواد حاوی اورانیوم یا تورنیوم به مرحله چرخه سوخت هسته‌ای طبق شرح بند c نرسیده اند و قرار است مستقیماً یا غیرمستقیم به یک کشور غیردارنده سلاح هسته‌ای صادر شوند، دولت ایران موظف است که مقدار، ترکیب و مقصد آن را به آژانس اطلاع دهد مگر اینکه این مواد برای مقاصد غیر هسته‌ای صادر شوند. ... " (C) چنانچه هر ماده ترکیبی و خالصی که برای تولید سوخت یا برای غنی سازی ایزوتوپ از کارخانه یا مراحل فرآوری که در آن تولید شده است، خارج می‌شود یا چنانچه مواد دیگر تولید شده در مراحل بعدی چرخه سوخت هسته‌ای به ایران وارد شود، این مواد باید تحت بازرسی قرار گیرد". مهمتر اینکه بند c ماده ۸۱ در موارد بازرسی به "ویژگیهای چرخه سوخت ایران"^۴ که باید تحت بازرسی

1. Agreement between Iran and The Agency for the application of safeguards in connection with the treaty on the non-proliferation of nuclear weapons, 15 May 1974.
2. Fuel cycle
3. Concentration of verification procedures on those stages in the nuclear fuel cycle involving the production, processing, use or storage of nuclear material from which nuclear weapons or other nuclear explosive devices could readily be made, and minimization of verification procedures in respect of other nuclear material, on condition that this does not hamper the Agency in applying safeguards under this Agreement.
4. Characteristics of Iran's nuclear fuel cycle, in particular, the number and types of facilities containing nuclear material subject to safeguards, the characteristics of such facilities relevant to safeguards, notably the degree of containment; the extent to which

اژانس باشد اشاره می‌کند. همانطور که می‌دانیم چرخه سوخت شامل مراحل از جمله آماده سازی سنگ اورانیوم، تبدیل، غنی سازی، تولید سوخت هسته‌ای، استفاده سوخت در رآکتور، بازآوری و مدیریت پسماند و غیره می‌شود. غنی سازی جزء کوچکی از چرخه سوخت است، هر چند در این معاهده به صورت کاملاً روشن بیان هم شده است.

اظهاراتی که گهگاه از سوی مقامات غربی بیان می‌شود و حاوی شک در حق غنی سازی است یا عامدانه صرفاً به حق استفاده صلح آمیز اشاره و سعی دارند سایر حقوق مرتبط و لاینفک حق هسته‌ای را نادیده بگیرند، سخنانی ناصحیح بوده که از نظر حقوقی دارای حجیت و اعتبار نیست. این حقوق به وضوح در معاهدات بیان شده است و مطالعه دقیق آنها تردیدی در این جهت باقی نمی‌گذارد. نمی‌توان در مقابل نص معاهدات آنها را بر اساس نیت و خواسته های یک طرفه به صورت خودسرانه تفسیر کرد.

طبق بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) یک معاهده باید با حسن نیت و مطابق معنای متداول^۱ عبارات آن و در همان چارچوب در پرتو هدف و مقصد آن تفسیر شود.^۲ هر چند حتی اگر معاهدات اخیر هم وجود نداشتند با هر فرض دیگری نیز می‌توان گفت طبق قاعده اذن،^۳ "اذن در شی، اذن در لوازم آن نیز هست". وقتی معاهده عدم اشاعه در اجرای حق دولتها به تولید و فرآوری مواد شکافت پذیر ویژه اشاره می‌کند معنی آن این است که کشورها از حق داشتن از چرخه سوخت و فناوری غنی سازی هم برای انجام این کار برخوردارند. زیرا غنی سازی نوعی فرآوری است و غنی سازی و سایر اشکال فرآوری لازمه تولید بعضی از مواد و ایزوتوپها برای تولید سوخت هسته‌ای هستند. در نهایت این نکته نیز گفتنی است که معاهده عدم اشاعه به منظور قانونمند کردن اجرای حقوق هسته‌ای منعقد شده است، لذا اگر کسی غنی سازی و چرخه سوخت را مطابق این معاهده جزئی از حق هسته‌ای کشورها نداند و به آن اقرار نکنند در واقع به طور ناخواسته این بخش از برنامه هسته‌ای کشورهای عضو را مشمول ماده ۳ آن پی تی

the design of such facilities facilitates verification of the flow and inventory of nuclear material; and the extent to which information from different material balance areas can be correlated

1. Regular meaning

۲. حقوقدانان ما به این مفهوم عرف لفظی می‌گویند. عرف محاوره میزانی است برای فهم سخن قانونگذار یعنی برای فهمیدن عبارت قانون نباید به کتاب لغت مراجعه کرد بلکه باید دید آن عبارت در عرف مردمی که قانونگذار هم از آنهاست چه معنی می‌دهد. بر این اساس طبق قانون مدنی ایران الفاظ و عبارات طرفین عقد، محمول بر معانی عرفی است.

3. Permission

ندانسته و نمی تواند آن را مضمول بازرسی های آژانس بدانند یا بر اساس این معاهده خواستار اقداماتی در مورد آن شود.

۳- قاعده استاپل^۱ و حق هسته‌ای

این موضوع زاویه دیگری از بحث ما در حقوق هسته‌ای را روشن می کند. در قواعد فقهی و حقوقی ایران به طور کلی می توان قاعده استاپل را با قاعده اقرار^۲ برابر دانست. "اقرار نیرومندترین دلیل اثبات دعوی است. چنانکه از آن به "ام الدلائل" یا "ملکه دلائل" تعبیر می شود. اقرار در لغت به معنی تثبیت آمده ولی در اصطلاح قضائی به معنی "اعلام وجود حقی علیه خود و به نفع شخص دیگر است" (منتهاپی، ۱۳۸۹).

اتفاقا در حقوق کشورهای غربی به ویژه کشورهای انگلوساکسن نیز قاعده استاپل یکی از مهمترین قواعد است. این قاعده حقوق خصوصی در حقوق بین الملل نیز منعکس شده است و در نظام بین الملل هم قابلیت تمسک دارد. "استاپل مانعی است که شخص را از انکار یا ادعای هر چیزی متضاد با آنچه که از نظر حقوق به عنوان واقعیت محرز شده است ممنوع می سازد، اعم از اینکه این احراز به وسیله اعمال کارگزاران قضائی یا تقنینی صورت گرفته باشد یا به وسیله سند یا اظهارات صریح یا ضمنی، فعل یا ترک فعل شخص" (افتخار جهرمی و شهبازی نیا، ۱۳۸۳).

بر اساس این قاعده "انکار پس از اقرار مسموع نیست." یعنی اگر کسی اقرار به حقی برله دیگری کند پس از آن نمی تواند منکر آن حق شود و متعهد به اقرار خویش است. تنها راه بی اثر شدن اقرار، اقرار دیگری است که توسط ذی حق صورت گیرد و مفاد اقرار را به صورت مستقیم یا ضمنی تکذیب کند. به این دلیل در قانون مدنی ما بیان شده است که "در صحت اقرار، تصدیق مقررله شرط نیست لیکن اگر مفاد اقرار را تکذیب کند اقرار مزبور در حق او اثری نخواهد داشت." در حقوق بین الملل نیز وضع کمابیش به همین صورت است.

چنانچه بررسی شود مشخص می شود که جامعه بین الملل از جمله شامل کشورهای عضو ۵+۱ در اسناد مختلف بین المللی و یا توسط اقدامات خود در مقاطع مختلف، به حق هسته‌ای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در همه ابعاد آن، اقرار کرده اند یا بعضی مفاهیم مبهم را با اقدامات عملی خود روشن کرده اند و تا زمانی که کشورهای در

1. Estoppel

۲. اقرار العقلا علی انفسهم جائز، اینجا کلمه عاقل در مقابل مجنون استفاده شده است. طبق ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی ایران "هرکس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود."

حال توسعه این اقرار را به صورت صریح یا ضمنی به زیان خود منکر نشده یا آن را تکذیب نکنند، می‌توانند از آثار حقوقی آن بهره‌مند شوند.

در معاهدات سه‌گانه مادر یعنی ان پی تی، اساسنامه آژانس و موافقتنامه پادمان، استاپل سندی^۱ در مورد حق هسته‌ای همه کشورها صورت گرفته است که جزئیات آن تا حدودی توضیح داده شد. اقرار سندی یعنی اینکه شخصی طی یک سند یا یک معاهده به حق دیگری اقرار نموده باشد. اکنون باید دید آیا کشورهای غربی در عمل تعریفی از استفاده صلح‌آمیز نموده‌اند یا خیر؟ یعنی علاوه بر استاپل سندی آیا استاپل ناشی از رفتار^۲ هم در این رابطه صورت گرفته است؟

اهمیت این بحث از آن جهت است که این مفهوم معیار مهمی در مباحث هسته‌ای و اقدامات مرتبط با آن در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. با نگاهی به توافقات کشورهای موثر در مباحث هسته‌ای روشن می‌شود که این کشورها در عمل و با توجه به سطح پیشرفت کشورها در فناوری هسته‌ای، با آنها تعامل می‌کنند. این کشورها در هیچیک از توافقات خود با سایر کشورها منکر حق هسته‌ای کشورها از جمله برخورداری از چرخه سوخت و غنی‌سازی، نشده‌اند. در هیچ توافق همکاری هسته‌ای آنها منکر حقوقی مانند حق غنی‌سازی، چرخه سوخت، ساخت رآکتور و غیره برای سایر کشورها نشده ولی سعی کرده‌اند در قالب همکاری یا امتیازدهی به تناسب سطح فناوری کشورهای دیگر، اجرای این حقوق را غیر اقتصادی کنند.

مثلاً در موافقتنامه بین آمریکا و کره جنوبی مورخ ۱۹۷۲ کره جنوبی باید قبل از بازفراوری^۳ اورانیوم از دولت آمریکا اجازه کسب کند ولی قیدی در این موافقتنامه مبنی بر اسقاط حق کره جنوبی برای بازفراوری لحاظ نشده است. در موافقتنامه آمریکا با ژاپن مورخ ۱۹۸۷ هم تقریباً برخورد مشابهی مانند برنامه هسته‌ای کره جنوبی شده است (Holt, 2013). اما در موافقتنامه همکاری بین دولت آمریکا و دولت هند درباره استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مورخ ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸، با اینکه دولت هند عضو معاهده عدم اشاعه نیست، آمریکا طبق ماده ۶ چرخه سوخت هند و غنی‌سازی را جزئی از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای می‌داند و توافق می‌کند که هند تا سطح ۲۰٪ برای مصارف صلح‌آمیز غنی‌سازی نماید و از کمک‌های آمریکا نیز برخوردار باشد (Squassoni, 2005).

1. Estoppel by deed
 2. Estoppel by conduct
 3. Reprocessing

علاوه بر آن می‌توان به موافقتنامه‌های منعقد شده بین همه کشورهای که اکنون به عنوان ۵+۱ شناخته می‌شوند با ایران قبل و پس از انقلاب و پیش از بروز اختلاف فعلی اشاره نمود. این کشورها در توافقات پیشین خود نه تنها متعرض حق ایران بر تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای نشده اند بلکه با توجه به تعهد برای تدارک مواد، تجهیزات و دانش فنی و صنعتی بر همه حقوق ایران از جمله داشتن چرخه سوخت و ساخت رآکتور و غیره اقرار نموده اند. بعنوان نمونه می‌توان به موافقتنامه همکاری بین دولت ایالات متحده آمریکا و دولت ایران راجع به استفاده غیر نظامی از انرژی اتمی (مصوب ۱۳۳۷)، اصلاحیه موافقتنامه همکاری بین دولت ایران و دولت ایالات متحده آمریکا (مصوب ۱۳۴۵)، اصلاحیه موافقتنامه همکاری بین دولت ایران و دولت آمریکا راجع به استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی (مصوب ۱۳۴۸)، موافقتنامه همکاری علمی، فنی و صنعتی برای استفاده صلح جویانه از نیروی اتمی بین دولت ایران و دولت فرانسه (مصوب ۱۳۵۴)، موافقتنامه همکاری در زمینه پژوهش علمی و توسعه فناوری بین دولت ایران و دولت جمهوری فدرال آلمان (مصوب ۱۳۵۵)، موافقتنامه همکاری در زمینه استفاده صلح جویانه از انرژی هسته‌ای بین سازمان انرژی اتمی ایران و وزیر فدرال و تکنولوژی جمهوری فدرال آلمان (مصوب ۱۳۵۶)، پروتکل بین دولت ایران و دولت جمهوری فرانسه در باره ایجاد و بهره برداری از دو نیروگاه هسته‌ای (مصوب ۱۳۵۷)، موافقتنامه همکاری در زمینه استفاده صلح جویانه از انرژی هسته‌ای فیما بین دولت فدراسیون روسیه و دولت جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۲) و موافقتنامه فیما بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین برای همکاری در زمینه کاربردهای صلح جویانه از انرژی هسته‌ای (مصوب ۱۳۷۲) اشاره کرد.^۱

لازم است اشاره شود که قانون سازمان انرژی اتمی ایران از سال ۱۳۵۳ تاکنون تغییر نکرده و وظایف این سازمان در زمان قبل از انقلاب و هنگام امضای بیشتر این معاهدات نیز مشابه بوده است و طرفهای موافقتنامه هیچگاه اعتراضی به این قانون نداشته‌اند. از جمله طبق بند ه ماده ۳ قانون سازمان انرژی اتمی ایران یکی از وظایف سازمان^۲ انجام بررسی و عملیات اکتشافی برای تعیین منابع مواد اولیه صنایع اتمی از قبیل سوخت اتمی و مواد رادیو اکتیو و بهره برداری از این منابع از طریق استخراج، تلخیص و استفاده

۱. همچنین موافقتنامه همکاری برای استفاده صلح جویانه از نیروی اتمی بین دولت ایران و دولت کانادا (مصوب ۱۳۵۱) نیز قابل توجه است که در آن دولت کانادا انفجار هسته ای برای مقاصد صلح آمیز و انتقال تجهیزات این اقدام را صریحاً مطابق ان پی تی می‌داند. برای دریافت متن توافقات هسته ای ایران با سایر کشورها به پورتال رسمی سازمان انرژی اتمی ایران به آدرس www.aeoi.org.ir مراجعه نمائید.

از مواد در صنایع و نیروگاهها و کارخانهها و تاسیسات مختلف اتمی کشور" است. این جمله در واقع بیانگر استفاده و تولید صنعتی مواد هسته‌ای و ایجاد چرخه سوخت است.

بحث سوم: محدودیتهای اجرای حق هسته‌ای

۱- تعهدات معاهده‌ای

معاهده ان پی تی از نظر شکلی و محتوایی معاهده‌ای منحصر به فرد نسبت به سایر معاهدات محسوب می‌شود (بیگ زاده، ۱۳۷۵). اصل در این معاهده عدم انحراف فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای کشورهای عضو به سمت تسلیحات هسته‌ای نظامی است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو معاهده تنها کشوری است که هدف معاهده را نه فقط از منظر سیاسی و حقوقی، بلکه بر مبنای اصول اعتقادی خود (طبق فتوای مقام معظم رهبری) محترم شمرده و به عنوان یک سیاست اصولی همواره بر جهان عاری از سلاحهای هسته‌ای تاکید داشته است.

طبق ماده ۲ معاهده عدم اشاعه کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای همچون جمهوری اسلامی ایران از دریافت، انتقال یا تولید هرگونه سلاح هسته‌ای یا ادوات انفجاری خودداری خواهند کرد. طبق ماده ۳ جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور عضو تعهد دارد که ضمن انعقاد موافقتنامه پادمان با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نظارت آژانس بر فعالیت هسته‌ای صلح آمیز خود را بپذیرد. این نظارت شامل کلیه فعالیت‌های هسته‌ای صلح جویانه در قلمرو جمهوری اسلامی ایران است که مشمول موافقتنامه پادمان هستند. هدف از این نظارت صرفاً جلوگیری از انحراف انرژی هسته‌ای از مصارف صلح جویانه به سوی مصارف نظامی یعنی تولید سلاح هسته‌ای یا سایر ادوات نظامی انفجاری هسته‌ای است. به عبارت دیگر این تعهدات و انجام بازرسیهای مطابق آن جهت نظارت بر چگونگی اجرای حق هسته‌ای کشورهای عضو است. نظارت طبق موافقتنامه پادمان و اساسنامه آژانس بر کلیه مواد خام، مواد شکافت پذیر ویژه و غیره اعمال می‌شود، یا این مواد و فرآورده‌ها در داخل تاسیسات هسته‌ای اصلی تولید یا عمل‌آوری شده و یا به کار گرفته شده باشند، خواه در خارج از این قبیل تاسیسات قرار داشته باشند. سایر تعهدات در مورد انتقال نتایج علمی انفجارات صلح آمیز یا کمک به سایر کشورهاست که مسائل جزئی بوده و از بحث ما خارج است.

چنانچه ملاحظه می‌شود کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای متعهد شده‌اند که نظارت آژانس را بپذیرفته و حق هسته‌ای خود را محدود به استفاده صلح آمیز کنند و



تاملی در باب
مفهوم حق و اجرای
حق با نگاهی به
موضوع هسته‌ای
ایران و توافق ژنو

بدنبال تولید، و یا دریافت تجهیزات به مقاصد نظامی یعنی سلاح هسته‌ای یا ادوات انفجاری هسته‌ای نباشند. در این راستا آژانس مرجع صالح نظارت و تشخیص انحراف یا عدم پایبندی کشورهای عضو در نظر گرفته شده است.

همانطور که بیان شد معاهده ان پی تی به حق غیر قابل سلب کشورهای عضو در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای اقرار کرده است ولی اجرا و استیفای این حق را در معاهدات معلق و متزلزل کرده است. این اقدام به دو روش صورت می‌گیرد. اول اینکه اجرای این حق معلق به رعایت ماده ۲ توسط کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای است، ثانياً بازرسیهای هدفمند به منظور اثبات عدم انحراف برنامه هسته‌ای به سوی فعالیتهای غیر صلح آمیز صورت می‌گیرد، لذا حداقل اجرای کامل حق هسته‌ای کشورها در واقع متزلزل شده و منوط به تایید عدم انحراف برنامه هسته‌ای و سایر شرایط پیش بینی شده در موافقتنامه پادمان و اساسنامه آژانس شده است، ولی این به معنای اسقاط حق نیست.^۱ اختیارات آژانس طبق اساسنامه و موافقتنامه پادمان اختیارات وسیعی است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه ارتباطی بین آژانس و شورای امنیت در مورد فعالیتهای هسته‌ای صلح آمیز ایجاد شده است، حداقل به لحاظ نظری اختیارات آژانس می‌تواند باعث تزلزل اجرای حق هسته‌ای شود. آژانس طبق ماده III (ب) (۴) اساسنامه چنانچه در ارتباط با فعالیتهای خود به مسائلی برخورد کند که در حوزه صلاحیت شورای امنیت قرار دارد، باید شورا را به عنوان مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مطلع سازد (گزارش اطلاعی در خصوص موضوعات مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی). علاوه بر این طبق ماده XII (ج) اساسنامه، آژانس موظف است عدم پایبندی دولتهای عضو به موافقتنامه پادمان را از جمله به شورای امنیت گزارش کند (گزارش عدم پایبندی). یا طبق ماده ۱۹ موافقتنامه پادمان^۲ چنانچه شرایطی ایجاد شود که بازرسان نتوانند فعالیتهای کشوری را راستی آزمائی نمایند، آژانس موضوع را به شورای حکام و نهایتاً به شورای امنیت گزارش خواهد کرد (گزارش عدم توانائی در راستی آزمائی). بر طبق اساسنامه آژانس، گزارش های عدم پایبندی و عدم اقدام به موقع می‌تواند باعث تعلیق همکاری آژانس با کشور مورد نظر، برگرداندن مواد و تجهیزات از آن کشور و حتی تعلیق

۱. طرح چنین دیدگاهی جنبه نظری و حقوقی محض دارد. نمی‌توان منکر سو استفاده بعضی از کشورها و حتی نهادهای بین‌المللی از چنین مقرره ای شد و یا آن را نادیده گرفت. چنین دیدگاه نظری نمی‌تواند توجیه کننده سو استفاده احتمالی از آن شود.

2. Agreement between Iran and the international atomic energy agency for the application of safeguards in connection with the treaty on non-proliferation of nuclear weapons, 13 December 1974.

عضویت کشور در آژانس شود (www.iaea.org). همه این موضوعات مرتبط با اجرای حق هسته‌ای و نه خود حق، است.

به نظر می‌رسد گزارش آژانس به شورای امنیت در رابطه با پرونده جمهوری اسلامی ایران گزارشی اطلاعی و گزارش عدم توانائی در راستی آزمائی بوده است. نگاهی به اسناد نشانگر این است که مدیرکل آژانس به صورت مرتب در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت گزارش داده است. این گزارش‌ها در فاصله زمانی ۴ فوریه ۲۰۰۶ تا ۲۷ فوریه ۲۰۰۶، مستند صدور قطعنامه ۱۹۶۹ شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران شد. بعضی از حقوقدانان معتقدند که ممکن است در گزارش دهی آژانس همه جزئیات اجرائی و حقوقی گزارش رعایت نشده باشد (سادات میدانی، ۱۳۸۵) ولی ورود در این بحث کمکی به حل مسائل نخواهد کرد. آنچه مهم است این که شورای امنیت به این موضوع ورود کرد، کما اینکه این شورا می‌توانست از سایر مبادی و با استفاده از صلاحیت انحصاری خود این اقدام را انجام دهد.

۲- رویه دولتها

شاید جمهوری اسلامی ایران آخرین کشور عضو معاهده عدم اشاعه باشد که به فناوری هسته‌ای، به ویژه چرخه سوخت هسته‌ای، دست یافت. رویه‌ای که در نظام بین‌الملل در حال شکل‌گیری است به احتمال بسیار زیاد، به تدریج و در عمل باعث جلوگیری از اجرای بخشی از حقوق هسته‌ای کشورهای خواهد شد که تاکنون نتوانسته‌اند به فناوری هسته‌ای دست یابند. این رویه بر دو موضوع تاکید ویژه دارد. نخست، برخورد چند جانبه با تهیه سوخت هسته‌ای به این معنی که کشورها از تولید و چرخه سوخت هسته‌ای داخلی دست بردارند ولی تضمین هائی به آنها داده شود که سوخت مورد نیاز آنها توسط سایر کشورها یا یک بانک سوخت بین‌المللی تامین شود. دوم اینکه کشورها از بازفراوری سوخت هسته‌ای خودداری کنند.

امروزه ۱۸۹ کشور عضو معاهده عدم اشاعه هستند. طبق اطلاعات موجود از این تعداد ۱۲ کشور^۱ دارای چرخه سوخت و برنامه غنی‌سازی با سطح فناوری متفاوت هستند. از این ۱۲ کشور ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت هستند که قبل از انعقاد معاهده عدم اشاعه (۱۹۶۸) توانائی غنی‌سازی اورانیوم داشته و به عنوان کشورهای

۱. آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، ایران، برزیل، آرژانتین و آفریقای جنوبی.

دارای سلاح هسته‌ای شناسائی شده اند. پس در واقع تنها ۷ کشور "غیردارنده سلاح هسته‌ای" از این فناوری و توانائی برخوردارند.

هند، پاکستان، کره شمالی و رژیم اسرائیل نیز به عنوان غیر عضو معاهده ان پی تی از فناوری غنی سازی برخوردارند (در مورد عضویت کره شمالی و خروج آن از معاهده بحثهایی وجود دارد که موضوع این مقاله نیست). ۱۷۷ کشور از اعضای معاهده عدم اشاعه به دلایل مختلف اعم از سیاسی و فنی و اقتصادی برای اجرای حق خود اقدامی انجام نداده اند. موضوع مهمتر، که این رویه را تقویت می کند، این است که بعضی از کشورهای عضو معاهده عدم اشاعه در توافقات هسته‌ای خود با آمریکا و سایر کشورها از غنی سازی داخلی و بازفرآوری سوخت تا کنون صرف نظر کرده اند. مثلاً طبق ماده ۷ موافقتنامه هسته‌ای بین امارات متحده عربی و آمریکا، امارات تعهد کرده است که از برخورداری از تاسیسات هسته‌ای حساس و غنی سازی و بازفرآوری در سرزمین خود خودداری خواهد کرد. یادداشت تفاهم مورخ ۱۹۸۱ بین مصر و آمریکا نیز بیان می دارد که در صورت نیاز مصر، هرگونه بازفرآوری سوخت در خارج از قلمرو این کشور صورت خواهد گرفت. اردن و عربستان سعودی نیز به نحوی این تعهدات را پذیرفته اند. ویتنام و تایوان نیز توافق نموده اند که برای تهیه سوخت به منابع بین‌المللی اتکا خواهند کرد.

در بین کشورهای عضو معاهده عدم اشاعه که دارای تکنولوژی هسته‌ای و چرخه سوخت هستند برخی بدون اعراض از حق خود، اجرای بعضی از حقوق مندرج در معاهده عدم اشاعه را به صورت داوطلبانه در قلمرو خود تحدید کرده اند. دولت کره جنوبی که یکی از پیشرفته ترین کشورهای جهان در امر تولید انرژی هسته‌ای است، از جزئی از حق هسته‌ای خود یعنی بازفرآوری طی توافقی که با آمریکا در ۱۹۷۲ و ۲۰۱۳ داشته صرفنظر کرده است. کشور ژاپن نیز توافق مشابهی با آمریکا دارد. در این میان اقدامات آفریقای جنوبی هم قابل توجه است. این کشور به صورت داوطلبانه سلاح هسته‌ای خود را منهدم و ضمن ایجاد محدودیت در برنامه غنی سازی خود بازرسیهای ویژه ای را پذیرفته است.

کشور هند عضو معاهده ان پی تی نیست و کشوری دارای سلاح هسته‌ای است. این کشور در واقع از نظر معاهداتی هیچ تعهد الزام آوری برای تحدید فعالیت‌های هسته‌ای یا عدم استفاده از نیروی اتم برای مقاصد نظامی و غیر نظامی خود ایجاد نکرده بود. با اینحال هند از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۰۸ بنا به مصالح ملی خود با دولت آمریکا مذاکره کرد و نهایتاً در سال ۲۰۰۸ در واشنگتن موافقتنامه همکاری بین دولت ایالات متحده و دولت هند در باره استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را به امضا رساند. در این

موافقتنامه دولت هند پذیرفت که تاسیسات غیرنظامی خود را اولاً تحت نظارت آژانس و بازرسیهای آن سازمان قرار دهد، ثانیاً غنی سازی را صرفاً تا سطح ۲۰٪ انجام دهد، ثالثاً می توان گفت هند در مقابل دریافت مواد و تجهیزات از آمریکا به طور تلویحی پذیرفته است که غنی سازی خود را بسیار محدود کند.^۱

این اقدامات الزاماً به معنی ضعف دولتهای پذیرنده تعهد یا انفعال آنها در پذیرفتن تعهدات تحمیلی نیست، بلکه نشانگر این است که کشورهای مختلف چگونه با وجود دارا بودن حق، در اجرای این حقوق طبق مصالح عالییه و منافع ملی تصمیم گیری و رفتار می کنند. این رفتار باعث شده است که عملکرد کشورهای در حال توسعه نیز به زبان کشورهای که بر اجرای حق خود اصرار دارند شکل گیرد، هر چند در حد گفتار و صدور بیانیه ممکن است نظر دیگری را بیان کنند.

۳- شورای امنیت

با توجه به قرابت تولید، فرآوری و استفاده از انرژی هسته‌ای با مسئله خلع سلاح و صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت در این رابطه برای خود مسئولیتی فوری فرض کرده است. اقدامات شورای امنیت در این رابطه نشانگر این است که شورا مایل به رویه گذاری در باره بحث هسته‌ای است و سعی می کند رویه بین‌المللی دولتها در راستای تحدید اجرای حق هسته‌ای را تقویت کند. چنین رویه ای بتدریج با استتالهای حقوقی نیز آمیخته شده است. به نظر بعضی از حقوق دانان "آنچه از منشور ملل متحد، معاهدات مربوط به نظارت بر تسلیحات هسته‌ای و قطعنامه های متعدد سازمان ملل متحد استنباط می شود آن است که حق در صلح زیستن نیز حقی است که همه دولتها و ملتها و مردم باید به طور مساوی در پایداری آن بکوشند. حق در صلح زیستن برخلاف حق تعیین سرنوشت، هم فردی و هم اجتماعی است و بدین لحاظ هر حق دیگری را محدود می سازد" (فلسفی، ۱۳۷۴).

شورای امنیت طبق ماده ۳۹ منشور صلاحیت انحصاری احراز وضعیت نقض صلح، تهدید علیه صلح یا عمل تجاوز، و طبق ماده ۲۴ مسئولیت اولیه و انحصاری حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد. شورا علاوه بر گزارش آژانس می تواند از طرق دیگر از جمله توسط خودش طبق ماده ۳۴ منشور، توسط مجمع عمومی طبق ماده ۱۱، توسط دولتهای عضو طبق ماده ۳ و توسط دبیر کل طبق ماده ۹۹ از وضعیتی که ممکن است

۱. در این باره به منابع پیشین در مورد توافقات هند و آمریکا مراجعه گردد.

صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد مطلع شود. لذا اگر گزارش آژانس هم به شورای امنیت ارسال نمی شد احتمال اینکه کشورهای عضو شورا این موضوع را در شورای امنیت مطرح کنند وجود داشت. شورا در صورت اطلاع از چنین وضعیتی طبق ماده ۳۹ منشور می تواند در مورد روش اعاده وضعیت توصیه کند که چه اقداماتی طبق ماده ۴۱ و ۴۲ صورت گیرد.

تصمیمات شورا در قالب بیانیه مطبوعاتی رئیس، بیانیه ریاست و یا قطعنامه متجلی می شود. شورای امنیت تاکنون شش قطعنامه اصلی علیه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با برنامه صلح آمیز کشورمان صادر کرده است.^۱ آخرین قطعنامه شورا که تقریباً جمع بندی همه قطعنامه های قبلی است طبق ماده ۴۱ منشور اتخاذ شده است. طبق این ماده "شورای امنیت می تواند تصمیم بگیرد که چه اقداماتی به غیر از به کارگیری نیروی نظامی برای اجرای تصمیماتش اتخاذ کند و می تواند از کشورهای عضو بخواهد که این اقدامات را اتخاذ کنند. این اقدامات ممکن است شامل قطع کامل یا قسمتی از روابط اقتصادی، ارتباط ریلی، دریائی، هوائی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی همچنین تنش در روابط دیپلماتیک باشد".^۲ چنانچه اقدامات ماده ۴۱ تاثیر گذاری لازم در اعاده وضعیت را نداشته باشد اقدامات ماده ۴۲ یعنی توسل به زور اتخاذ خواهد شد.^۳

البته شورا به لحاظ نظری نمی تواند خارج از چارچوب حقوق بین الملل وضعیتی را به صورت خودسرانه به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی اعلام کرده و در رابطه با آن اقدام کند^۴ و ملتزم به رعایت اصول عدالت و حقوق بین الملل است. همچنین شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل تابع حقوق بین الملل محسوب شده و مانند هر سازمان بین المللی دیگر حداقل باید تابع سند موسس خود یعنی منشور باشد.^۴ همچنین

۱. این قطعنامه ها بترتیب عبارتند از ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، و ۱۹۲۹ (۲۰۱۰).

۲. این موضوع از این منظر قابل توجه است که چگونه اصرار بر اینکه "تحریمها هیچگونه تأثیر یا کارآیی ندارد" می تواند از یک دیدگاه کمک به شورای امنیت برای حرکت از ماده ۴۱ به سمت ماده ۴۲ باشد.

۳. طبق بند ۱ ماده ۱ منشور شورا در اینگونه اقدامات باید بر اساس "اصول عدالت و حقوق بین الملل" رفتار نماید.

۴. نظر دیوان بین المللی دادگستری در رای مشورتی در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته ای ۱۹۹۶ در رابطه با وظایف سازمان بهداشت جهانی طبق اساسنامه در این خصوص قابل توجه است.

دولتها طبق ماده ۲۵ منشور در اجرای مصوبات شورا طبق منشور عمل خواهند کرد. با این حال در عمل شورای امنیت "اولویت را بر استقرار و اعاده صلح می‌نهد و از امکان آزادی عمل گسترده‌ای برخوردار است" (سادات میدانی، ۱۳۸۵). لذا می‌توان گفت که گرچه حق هسته‌ای یک حق غیر قابل سلب محسوب می‌شود ولی تفسیرها و رویه‌های شورا در باره صلاحیت شورای امنیت در حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی بر اساس قطعنامه‌های فصل هفتم منشور می‌تواند به عنوان استثنا عمل کند و در چنین مواردی این خطر وجود دارد که شورا اولویت را به زعم خود به صلح دهد و در نتیجه به اصل حق کشورها متعرض شود. بنظر ما امروزه رویه‌های شورای امنیت یک تهدید و یک خطر برای اجرای حق هسته‌ای کشورهای عضو آن پی‌تی و حتی تمامیت این معاهده محسوب می‌شود.

صدور قطعنامه ۱۸۸۷ مورخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۹ و قطعنامه‌های هم خانواده آن نشانگر این واقعیت است که شورا در رابطه با استفاده از انرژی هسته‌ای به تدریج در حال هنجار سازی است و ممکن است در آینده حقوق مندرج در آن پی‌تی را محدود کند. طبق بند ۳ اجرائی قطعنامه ۱۸۸۷، شورا "یادآوری می‌کند که برخورداری از مواهب معاهده آن پی‌تی فقط در صورت پایبندی به تعهدات مندرج در این معاهده امکان پذیر است". طبق بند ۱۴ همین قطعنامه "رویکرد چند جانبه آژانس بین‌المللی هسته‌ای در قبال چرخه سوخت از جمله تضمین تهیه سوخت هسته‌ای و اقدامات مربوطه آن به عنوان یک وسیله مؤثر برای برآورده کردن نیازهای رو به گسترش به سوخت هسته‌ای و کاهش ریسک اشاعه ... مورد تشویق قرار گرفته است."

در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران اولین قطعنامه شورای امنیت ذیل ماده ۷ منشور به شماره ۱۹۶۹ مورخ ۳۱ جولای ۲۰۰۶ صادر شد. در این قطعنامه ضمن اشاره به گزارش‌های متعدد مدیر کل آژانس اعلام می‌شود که "آژانس نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که هیچ ماده یا فعالیت هسته‌ای اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد، همچنین آژانس در تلاشهای خود برای اطمینان از عدم وجود این مواد و فعالیتها قادر به پیشرفت نیست".^۱ این اقدام، وضعیت پرونده هسته‌ای ایران را به کلی تغییر داد و آن را وارد یک دسته حقوق دیگر، یعنی تعهدات منشوری کرد که ظرفیت وارد آوردن لطمه‌های جبران ناپذیر

1. "... that the IAEA is unable to conclude that there are no undeclared nuclear materials or activities in Iran, ... that the IAEA is unable to make progress in its efforts to provide assurances about the absence of undeclared nuclear material and activities in Iran."

به حقوق هسته‌ای کشورمان را داشت. چنانچه به قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت توجه کنیم متوجه خواهیم شد که شورا پا را بسیار فراتر از موضوع هسته‌ای گذاشت و تصمیمات و توصیه‌های نامرتبط با موضوع را نیز در قطعنامه‌ها گنجانده که باعث پیچیدگی بیشتر سیاسی و حقوقی شده است. در این قطعنامه شورا تاکید می‌کند که ایران باید به موافقتنامه پادمان پایبند باشد، موضوعات باقیمانده را با آژانس حل کند، کلیه فعالیتهای مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری را تعلیق نماید و هیچ تاسیسات جدیدی برای غنی‌سازی و بازفرآوری و آب‌سنگین ایجاد نکند. همچنین تصمیم می‌گیرد که ایران هیچ سرمایه‌گذاری در خصوص معدن و استخراج اورانیوم، تولید و فرآوری اورانیوم در کشورهای دیگر صورت ندهد و اقدام به فعالیت در زمینه موشک‌هایی که توان حمل سلاح هسته‌ای دارند نکنند. از سوی دیگر ایران اجازه صدور هیچگونه سلاحی ندارد و کشورها نیز اجازه انتقال سلاحهای سنگین از جمله تانک، زره‌پوش، هلیکوپتر، توپخانه و غیره به ایران را ندارند. علاوه بر آن در این قطعنامه بازرسی کشتی‌ها و هواپیماهای ایرانی پیش‌بینی شده است و از کشورها خواسته شده است که به وسایل نقلیه ایرانی از قبیل هواپیما یا کشتی در صورتیکه شکی در مورد آنها وجود دارد سوخت رسانی نکنند و سرویس دهی انجام ندهند. همچنین تعداد زیادی از اشخاص حقیقی و حقوقی ایران تحریم و اسامی آنها در فهرستی ضمیمه قطعنامه شده است. این تحریمها با تحریمهای یکجانبه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا و برخی کشورهای دیگر، شدیدتر هم شد و بسیاری کشورها برای دوری از فشارهای آمریکا حتی فراتر از آنچه مقرر شده بود بر بانکها، شرکتها، کشتیها و هواپیماهای ایرانی فشار وارد کردند.

به هر حال چنانچه گفته شد شورای امنیت هر چند بدون مبنای محکم حقوقی در همه موارد، با استناد به صلاحیت خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند باعث تحدید استثنائی اجرای حق هسته‌ای یا حتی تضییع این حق شود. اقدامات شورا در رابطه با عراق و دخالت در امور حاکمیتی این کشور شاهدی بر این مدعاست. لذا اولین اولویت در سیاست خارجی کشورها این است که حتی الامکان هیچ موضوعی مرتبط با آنها به شورای امنیت برای تصمیم‌گیری ذیل فصل هفت ارجاع نشود. مشکل و پیچیده تر از آن، این است که در صورت ورود شورای امنیت به چنین پرونده‌هایی، کشور مربوطه بتواند موضوع را از دستورکار شورا خارج و مجدداً آن را به حالت عادی بازگرداند. مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ در ژنو و مرحله بعدی در وین را باید با توجه به چنین فضائی بررسی کرد.

بحث چهارم: مذاکرات و توافق ژنو در مورد برنامه مشترک اقدام

۱- توافقات بین‌المللی و حق حاکمیت

از آنجا که در بعضی از اظهار نظرها در کشور ما درباره توافقات بین‌المللی به صورت عام، یا درباره توافق ژنو به نحو خاص، با عبارات متفاوت، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به موضوعاتی مانند حاکمیت یا نقض حاکمیت اشاره می‌شود بحث مختصری در این باره می‌تواند مفید واقع شود.

آیا انعقاد توافق یا مصالحه با سایر کشورها به معنی اعراض از حاکمیت است؟

حاکمیت همواره در بین سیاستمداران موضوعی حساسیت برانگیز است. این مفهوم در گذشته حتی از حساسیت بیشتری از آنچه امروز شاهد آن هستیم برخوردار بوده است. بعضی از فیلسوفان از قرن هیجدهم تا اوایل قرن بیستم حاکمیت را امری خدشه ناپذیر و دولت را حاکم بلامنازع در روابط بین‌المللی می‌پنداشتند. هگل معتقد بود که "حاکمیت و حقوق بین‌الملل اصولاً دو موضوع کاملاً متباین هستند و در روابط بین‌الملل هیچ حاکمیتی نمی‌تواند تابع قاعده باشد" (افتخار جهرمی، ۱۳۷۴). شاید این سخن هگل که اتفاقاً یکی از ذهن‌گراترین فیلسوفان در قرن نوزدهم است سخن درستی بوده باشد، هر چند در حال حاضر نیز حاکمیت بالاترین رکن اقتدار در نظامهای سیاسی را بازی می‌کند، ولی واقعیت این است که امروزه حاکمیت دولتها و اجرای حقوق حاکمیتی در نظام بین‌الملل وسعت گذشته را ندارد.

امروز حاکمیت دیگر یک مفهوم فلسفی نیست و بیشتر جنبه عملی و اجرائی به خود گرفته است. دولتها بنا به مصالحی از اجرای بعضی از حقوق خود چشم‌پوشی کرده یا اجرای آنها را به آینده و فرصت مناسب موکول می‌کنند. "درست است که امروزه هم دولت در حیطه اختیارات خود تابع هیچ قدرتی نیست اما به هر حال نمی‌تواند فراتر از قانون باشد" (افتخار جهرمی، ۱۳۷۴). نمی‌توان به صرف استناد به حاکمیت نسبت به قواعد بین‌المللی بی‌اعتنا بود. دولت هم به عنوان تابع حقوق بین‌الملل نمی‌تواند با استناد به حاکمیت فراتر از قانون عمل کند. چگونگی اعمال حاکمیت در روابط خارجی جزئی از تعامل یک دولت با سایر دول است.

با توجه به اصل رضائی بودن معاهدات (ساعد، ۱۳۸۴) چنانچه دولتی به یک معاهده یا توافق بین‌المللی می‌پیوندد به آن معنی نیست که حاکمیت خویش را مخدوش کرده یا از آن اعراض نموده است، بلکه به این معنی است که با استفاده از اعمال حاکمیت خود، نسبت به خود محدودیتهائی را پذیرفته است. در واقع دولتها برای تامین منافع



تاملی در باب
مفهوم حق و اجرای
حق با نگاهی به
موضوع هسته‌ای
ایران و توافق ژنو

عالیه خود همواره از حق حاکمیتشان برای تعامل با سایر بازیگران بین‌المللی استفاده می‌کنند. دولت "با پیمانی که با دولتهای دیگر می‌بندد از بعضی از امتیازات حاکمیت صرفنظر می‌کند، رعایت این قبیل محدودیتها به منزله اعراض دولت از حاکمیت خود نیست بلکه ایجاد اینگونه محدودیتها دقیقا به معنای اعمال حاکمیت است" (افتخار جهرمی، ۱۳۷۴) دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در رای خود در قضیه ویمبلدون دقیقا به این موضوع اشاره کرده است. لذا در مذاکرات هسته‌ای نیز چنانچه دولت بتواند با کشورهای دیگر به توافق رسیده و به توافق خود پایبند باشد، دقیقا در حال اعمال حاکمیت است نه اعراض از حاکمیت.

همانطور که پیشتر در مورد حق و اجرای حق توضیح داده شد، در حق هسته‌ای نیز اولاً باید بین حق و اجرای حق تفکیک قائل شد، ثانياً باید بدانیم که دولتها همواره در اثر اجبار نیست که به تعهدات بین‌المللی تن می‌دهند و پایبند می‌مانند، بلکه در بسیاری از موارد انعقاد توافق با سایر کشورها به عنوان جزئی از سیاستها و برنامه توسعه و پیشرفت کشورها ایفای نقش می‌کند. به عنوان مثال امروزه هیچ کشوری، هر چند هم در امور داخلی خویش خودکفا باشد، نمی‌تواند بدون دسترسی به بازارهای جهانی و تبادلات علمی، فنی و فرهنگی به توسعه شایسته خود نایل گردد. لذا کشوری که با رعایت مصالح خویش در تعامل با سایر کشورها موفق تر عمل می‌کند، در واقع در اعمال حاکمیت خویش در روابط خارجی استفاده بهتری کرده است. به ویژه اینکه گسترش روابط با سایر کشورها خود جزئی از سیاست دولت است و این اقدام باید حکیمانه صورت گرفته باشد.

۲- برنامه اقدام مشترک در توافق ژنو ۱

اکنون با توجه به آنچه از نظر حقوقی و نظری بیان شد می‌توانیم بررسی کنیم که آیا توافق ژنو تا چه میزان در تامین منافع ملی موفق بوده است؟ آیا حقی از حقوق هسته‌ای ایران اسقاط شده است؟ آیا جمهوری اسلامی ایران در توافقات ژنو از حقوق خود صرفنظر کرده است؟

برای بررسی و پاسخ به سؤالات مذکور باید به برنامه اقدام مشترک^۱ مراجعه کرد. برای جلوگیری از اطاله این مقاله به صورت خلاصه به بعضی از موارد مندرج در این توافق می‌پردازیم.

1. Joint Plan of Action

اول: عناصر مذکور در مقدمه توافق:

- هدف مذاکرات نیل به "یک راه حل جامع و بلند مدت"^۱ بیان شده است. طرف مقابل می‌توانست با این هدف توافق نکند و ابتدا بر اجرای قطعنامه های شورای امنیت و شورای حکام که تعهدات فوری ایران بود اصرار کند. توافق با این هدف به طور کلی به معنی کنار آمدن با برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران است. شاید کمتر کسی بداند که در همه مذاکرات قبلی با ۵+۱ یکی از مشکلات اصلی که باعث عدم توافق بین طرفین بود این موضوع بود که طرف مقابل با دور نمای یک راه حل نهائی و جامع موافقت نکرده و همواره این موضوع را موکول به برداشتن قدمهای اجرائی توسط جمهوری اسلامی می‌کرد. همین موضوع و عدم پابندی کشورهای غربی برای انعقاد توافق جامع موجب شکست مذاکرات پیشین شد.

- "این راه حل جامع ایران را قادر می‌سازد که به صورت کامل از حقوقش برای انرژی صلح آمیز هسته‌ای طبق مفاد مرتبط در آن پی‌تی و با رعایت تعهداتش در این معاهده، بهره‌برداری کند." همانطور که بیان شد حقوق کشورها در معاهده عدم اشاعه حقوق کاملی است. این جمله نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران از ابتدا روشن کرده است که در هر توافقی حق خود را محفوظ خواهد داشت. اما بحث مهمتر این است که به تعهدات جمهوری اسلامی ایران ذیل معاهده آن پی‌تی اشاره شده است. چنانچه در راه حل جامع این روند ادامه یافته و فقط این تعهدات مورد استناد قرار گیرد، دست آورد مهمی حاصل شده است. این تنها جایی در توافق ژنو یا همان برنامه عمل مشترک است که صریحا به واژه "تعهد" در رابطه با اقدامات جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. تصریح این واژه ممکن است حشو به نظر برسد و استدلال شود که ایران همواره تعهدات معاهده عدم اشاعه را انجام داده است و آنچه در ماده ۲ و ۳ آمده نیز به خوبی اجرا شده است. ولی از آنجا که سخن لغو از چنین مذاکراتی بعید است و هر کلمه‌ای بنا به نیازی در اسناد، به ویژه در مذاکراتی با این اهمیت، ذکر می‌شود باید گفت که قصد از ذکر کلمه تعهدات در این متن به منظور تحدید و تخصیص حوزه تعهدات ایران است و می‌تواند چنین تفسیر شود که تعهدات ناشی از قطعنامه های شورای امنیت در مذاکرات نهائی مستثنی می‌شود.

- همچنین در مقدمه ذکر شده است که "توافق جامع باعث لغو کلیه تحریمهای شورای امنیت، تحریمهای چند جانبه و تحریمهای یکجانبه علیه برنامه هسته‌ای ایران

1. A long-term comprehensive solution

خواهد شد.^۱ این موضوع یکی از مسائل بسیار مهم حقوق بین‌الملل است. آیا کشورهای عضو یک سازمان بین‌المللی مسئولیتی در رابطه با اقدامات آن سازمان بین‌المللی در ظرفیت کشوری، دارند یا خیر؟ شش قطعنامه بسیار پیچیده شورای امنیت ذیل فصل هفت منشور، به ویژه ماده ۴۱، علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شده است و سازوکار نظارتی و اجرائی خاصی هم برای آن ایجاد شده که برخوردی بسیار تهاجمی دارد. اگر این اقدامات بدون تعهد دولتهای عضو صرفاً به اخذ تصمیم جدیدی توسط شورای امنیت یا بررسی و تصمیم شورا واگذار می‌شد، در واقع انجام آنها محال شده بود. کشورهای ۵+۱ که شامل کلیه اعضای دائم شورا هم هستند می‌توانستند استدلال کنند که شورا در پایان مذاکرات حاضر موضوع را بررسی و در صورت لزوم تحریمهای اعمال شده را لغو خواهد کرد، ولی چنین نکرده و از هم اکنون تعهد کرده اند که شورای امنیت کلیه تحریمهای خود را لغو می‌کند.

این بند دو مزیت برای جمهوری اسلامی ایران داشته است. یکی اینکه قطعنامه‌های شورا را علیرغم متن آن، هدفمند و منحصر به موضوع هسته‌ای نموده است. به هر حال این یک واقعیت است که این قطعنامه‌ها تنها به موضوع هسته‌ای نپرداخته و طیف وسیعی از موضوعات غیر هسته‌ای نیز در آنها گنجانده شده است. دوم اینکه اعضای دائم شورا پذیرفته اند در صورت به نتیجه رسیدن تحریمهای شورا هم لغو خواهد شد و نیاز به رسیدگی دیگری در چارچوب شورا نیست، و در واقع به نیابت از شورای امنیت تصمیم گیری شده است. ممکن است برای لغو قطعنامه‌ها به قطعنامه دیگری توسط شورا نیاز باشد ولی این اقدام شکلی بوده و قاعدتاً نیازی به رسیدگی جدید توسط شورای امنیت نخواهد بود. این موضوع بسیار با اهمیت است.

- بند دوم مقدمه سایر اقدامات میان مدت یا قدم دوم را ذکر کرده است. در این بند از ابتدا بیان شده است که "به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد با این دید که نتیجه رضایت بخشی در رابطه با رسیدگی شورا به این موضوع حاصل شود" پرداخته خواهد شد.^۱

روشن است که طرف غربی بدون اشاره به قطعنامه‌های شورا حاضر به انجام هیچگونه توافقی نبوده است. شورای امنیت از زمان تاسیس سازمان ملل متحد تاکنون ستون این سازمان و منشاء اعمال قدرت در جامعه بین‌المللی بوده است. شورای امنیت حاصل پیروزی در یک جنگ جهانی است و ارزش استراتژیک و حیاتی برای قدرتهای

1. Addressing the UN Security Council's resolutions, with a view toward bringing to a satisfactory conclusion the UN Security Council's consideration of this matter.

جهانی دارد. لذا برای افرادی که با مذاکرات چند جانبه آشنا هستند یا در چنین مذاکراتی شرکت داشته اند روشن است که برای انشای این جمله مبهم و کوتاه چه میزان انرژی صرف شده است. اولاً در این جمله تعهدی داده نشده است و در واقع بحث در مورد آن به آینده موکول شده است. ثانیاً از نظر حقوقی قطعنامه شورای امنیت که ذیل فصل ۷ و طبق ماده ۴۱ باشد لازم الاجراست و لذا اینکه به جای کلمه Implementing از کلمه Addressing استفاده شده است به این معنی است که طرف مقابل از یکی از اصول مقدس خود عقب نشینی کرده و آن را قابل مذاکره دانسته است.

- در قسمت بعدی این بند مقرر شده است که برای نظارت بر اجرای توافقات کوتاه مدت، کمیسیون مشترکی بین جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ ایجاد شود که ضمناً با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم همکاری خواهد کرد. اما قسمت مهمتر این است که در این بند آمده است "گروه ۵+۱ و ایران مسئول اجرای توافقات کوتاه مدت و توافق جامع با "حسن نیت" خواهند بود". حسن نیت فقط یک مفهوم اخلاقی و ذهنی نیست بلکه دارای اثر حقوقی مشخص نیز هست. دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مشورتی خود در رابطه با ممنوعیت استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای، در بررسی ماده ۶ آن پی تی که طبق آن دول عضو معاهده متعهد شده اند خلع سلاح هسته‌ای را در سطح جهانی محقق سازند، بیان می‌دارد "اثر حقوقی این تعهد فراتر از تعهد ساده به یک اقدام است و تعهدی است برای نیل به یک نتیجه مشخص (خلع سلاح هسته‌ای در تمام ابعاد) با در پیش گرفتن روبه عملی خاص یعنی تعقیب مذاکرات در این زمینه".

دوم عناصر گام اول:

در گام اول جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ تصمیم گرفته اند که اقدامات اولیه ای را به منظور ایجاد فضای مناسب مبتنی بر تعامل و همکاری شروع کنند تا زمینه لازم برای شروع مذاکرات مربوط به توافق نهایی ایجاد شود. در ابتدا آمده است که "این گام برای یک دوره زمانی شش ماهه است" و "ایران به صورت داوطلبانه اقدامات ذیل را انجام خواهد داد." اقدامات پیش بینی شده در این قسمت در مورد اجرای حق است و بیشتر اقداماتی اجرائی محسوب می‌شوند که در مقایسه با هدف نهایی که برای مذاکرات در نظر گرفته شده است، این اقدامات نمی‌توانند از نظر حقوقی اقدامات مهمی تلقی شوند. زیرا بر اساس آنچه قبلاً گفته شد قیود "داوطلبانه بودن" و "شش ماهه" بودن یعنی ذکر قید زمان به هر مدت معقول، به این معنی است که هیچ حقی از حقوق هسته‌ای اسقاط

نشده است و این اقدامات موقت و داوطلبانه تنها یا شامل اقدامات اجرائی جزئی هستند، یا انجام عملی را به آینده و به پس از این شش ماه موکول کرده اند. اقداماتی که با این قیود انجام می شوند بیشتر مربوط به اجرا و تاکتیک مذاکره هستند نه اصل حق و لذا از نظر این مقاله چندان اهمیتی برای انجام بررسی ماهوی نخواهند داشت. کما اینکه برای حصول به توافق موقت و پایه ریزی یک توافق پایدار، هیاتهای طرفین می توانستند به هر شکل دیگری توافق کرده و مجموعه دیگری از اقدامات اجرائی را پیش بینی کنند.

سوم عناصر گام نهائی:

- اولین عنصر گام نهائی "برخورداری از یک دوره زمانی بلند مدت مشخص که در مورد آن توافق خواهد شد" است. این یک جمله کافی است روشن کند که جمهوری اسلامی ایران از حقوق خود اعراض نکرده و حقی را اسقاط نکرده است، بلکه حق حال را در موارد جزئی به حق موجل تبدیل نموده است. چنانچه عرض شد زمان از عوارض حق است نه خود حق. لذا چنانچه زمان این توافق، به هر میزان معقول که باشد، سپری شد، تحدید جزئی ایجاد شده هم برطرف می شود.

- عنصر دوم حقوق و تعهدات اعضای معاهده عدم اشاعه و پادمانهای آژانس را ذکر می کند که در مباحث قبلی در مورد آن بحث شد.

- عنصر سوم تعهد به لغو تحریمهای شورای امنیت و سایر تحریمها است.

- عناصر چهارم و پنجم دو محدودیت را برای ایران ایجاد کرده که از سوی برخی نیز مورد انتقاد واقع شده است. این دو عنصر شامل "برنامه غنی سازی ایران بر اساس نیاز عملی با محدودیتهای مورد توافق در مورد گستردگی و سطح غنی سازی و میزان ذخائر، برای دوره زمانی که در مورد آن توافق خواهد شد" و "رفع کامل نگرانی در مورد رآکتور اراک". چنانچه بیان شد اولاً این توافق دارای زمان خواهد بود ثانیاً حتی اگر هم توافق ایجاد شده دارای زمان نبود، تحدید اجرای حق به هیچ وجه به معنی اعراض و اسقاط حق نیست لذا هیچ حقی از حقوق هسته ای ایران نقض نشده است. به فرض اینکه هیچیک از این قیود هم موجود نباشد دولت جمهوری اسلامی ایران با اعمال حاکمیت خود می توانست در صورت صلاحدید و بنا به مصلحت، مانند سایر کشورها در موارد جزئی و غیر حیاتی اجرای حق خود را محدود کند بدون اینکه از حقوقش اعراض کند.

- عنصر ششم در باره تقویت نظارت بر برنامه هسته ای ایران با توافق طرفین، و تصویب و اجرای پروتکل الحاقی با توجه به نقش و اختیارات رئیس جمهور و مجلس است. با ذکر نقش مجلس و رئیس جمهور در واقع طی مراحل قانونی برای اجرای یک

سند بین‌المللی ذکر شده است که کاملاً خردمندانه است و پیشاپیش تعهدی از سوی ایران پذیرفته نشده است. در این عنصر حدود قانونی کاملاً رعایت شده است. - طبق بند آخر توافق، عنصر هفتم این است که توافق نهائی شامل همکاری بین‌المللی در زمینه انرژی هسته‌ای غیر نظامی همچون ساخت راکتور پیشرفته آب سبک و راکتور تحقیقاتی و تجهیزات مربوطه و تدارک سوخت هسته‌ای و همچنین اقدامات تحقیق و توسعه مورد توافق خواهد بود. این بند طرف مقابل را ملزم می‌کند که در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات و نیل به توافق، به همکاری هسته‌ای با ایران در زمینه غیر نظامی مبادرت ورزد و ایران را نباید از دسترسی به دانش و فناوری روز دنیا محروم کرد.

نتیجه‌گیری

پس از تاسیس سازمان ملل تاکنون فضای جهانی تا این حد متشنج، نا امن و متأثر از فضای امنیتی نبوده است. ما در جهانی پرتلاطم زندگی می‌کنیم و منطقه ما در کانون طوفانهای سهمگین قرار دارد. در این وضعیت، رژیم عدم اشاعه اهمیت روزافزونی یافته و در صدر مسائل جهانی قرار گرفته است. بیشتر کشورهای جهان نیز اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه توجه ویژه‌ای به این امر معطوف کرده‌اند. کشور ما با ظرفیتهای انسانی و ذخائر معدنی غنی، و سطح دانش و فناوری فراتر از منطقه، بیش از هر کشور دیگری در منطقه از ثبات و صلح و حتی از تقویت رژیم عدم اشاعه سود خواهیم برد. ما به فناوری هسته‌ای مانند سایر فناوریهای پیشرفته و علم روز دست یافته ایم. اکنون بنظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که دستاوردهای خود را با حل و فصل اختلافات بین‌المللی و مناقشات تثبیت نموده و با درایت و دور اندیشی جایگاه کشورمان را در نظام بین‌المللی مستحکم کنیم.

عدم توجه به فضای بین‌المللی و صرف بیان حق، آن گونه که در نظام حقوقی داخلی معمول است، هیچ مذاکره‌ای را به نتیجه نخواهد رساند. بی‌اعتنائی به این مسائل، یا اظهار نظر و تفکر غیر واقع‌گرایانه، یا برداشتهای صرفاً ذهن‌گرایانه از مفاهیمی مانند حق و حاکمیت و تقلیل این مباحث در حد مجادلات لفظی و مطبوعاتی، یا بیان حقوق و تکالیف مندرج در معاهدات در جراید، ممکن است ما را از نیل به یک راه حل واقعی و تامین منافع ملی دور کرده و به دستاوردهای دیپلماسی لطمه وارد کند.

چنانچه در حل و فصل اختلافات در خصوص برنامه هسته‌ای دو مفهوم حق و اجرای حق تفکیک گردند، راه‌حلهای مناسبتری برای نیل به نتیجه نهائی ظاهر خواهند شد.

مصالحه در بعضی از اجزای حق، یا در مورد اجرای حق در موارد غیر حیاتی، یا انجام این اقدامات برای یک مدت زمان مشخص، به معنی اعراض از حقوق هسته‌ای یا حاکمیت کشور تلقی نمی‌شود. چنین رویکردی در نظام بین‌الملل و حیات اجتماعی امری معمول محسوب می‌شود و مطابق با مصالح ملی صورت می‌گیرد. این رویکرد، خود گونه‌ای از اعمال حق حاکمیت و در راستای تقویت آن است. بر اساس آنچه گفته شد توافق ژنو را باید یکی از دستاوردهای مهم دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد که با حفظ منافع و خطوط قرمز ایران، زمینه را برای آغاز مذاکرات توافق جامع هموار کرده است. دستیابی به توافق جامع می‌تواند اجرای برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران را تسهیل و به پیشبرد منافع ملی کشورمان کمک کند.

منابع

کتاب‌ها:

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، **مقدمه عمومی علم حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

مقالات:

- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۷۴)، «حاکمیت دولتها و محدودیتهای منشور»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۸، صص ۳۸-۱۵.
- افتخار جهرمی، گودرز و شهبازی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۳)، «بررسی قاعده استاپل در حقوق انگلیس و آمریکا»، **مجله حقوقی**، شماره ۳۰، صص ۷۴-۵.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۵)، «بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای در قلمرو حقوق بین‌الملل»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۶ و ۱۷، صص ۲۹۲-۲۴۹.
- زاخری، زین‌العابدین (۱۳۴۵)، «اصل تسلیط و لاضرر در حقوق اسلام»، **مجله کانون وکلای آذربایجان**، شماره ۵، صص ۴۲-۳۵.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۴)، «تابربری دولتها در قبول و اجرای معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای: تصورات و واقعیات»، **مجله حقوقی**، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۴۰-۶.

- سادات میدانی، حسین (۱۳۸۵)، «شورای امنیت و پرونده هسته‌ای ایران: تقابل حاکمیت حقوق بین الملل با صلح بین المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۷۷، صص ۳۲-۱.
- ساعد، نادر (۱۳۸۴)، «تاملی بر اصل رضائی بودن معاهدات در آئینه تحولات بین المللی و خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، مجله حقوقی، شماره ۳۲، صص ۹۴-۵۳.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۹)، «سلب حق در فقه و حقوق»، ماهنامه کانون، شماره ۱۰۳، صص ۸۳-۹۵.
- منتهائی، عباس (۱۳۸۹)، «بحثی در قاعده اقرارالعقلا از دیدگاه فقه و حقوق»، ماهنامه کانون، شماره ۱۰۵، صص ۸۴-۴۶.
- نمازی فر، حسین (۱۳۷۹)، احکام حکومتی از دیدگاه امام خمینی (ره)، نشریه مقالات و بررسیها، شماره ۶۸، صص ۶۴-۴۵.

مقالات:

- Holt, MarK. June (2013), "U.S. and South Korea cooperation in the world energy market: major policy consideration", congressional research service, retrived at www.fas.org.
- Squassoni, Sharon. July 29, (2005), "U.S nuclear cooperation with India: issue for congress retrived" at www.cfr.org.

اسناد و مدارک:

- Agreemnt between Iran and The Agency for the application of safeguards in connection with the treaty on the non-proliferation of nuclear weapons, 15 May 1974.
- Agreement between Iran and the International Atomic Energy Agency for the application of safeguards in connection with the treaty on non-proliferation of nuclear weapons, 13 December 1974.
- The statute of the IAEA, cited at www.iaea.org.
- I.C.J. 1996. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion.